

بینش و روش در تاریخ نگاری سیفی هروی

محمود الواری

دانشجوی دکتری تاریخ اسلام ، واحد یادگار امام خمینی(ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

محبوبه شرفی

دانشیار گروه تاریخ، واحد یادگار امام خمینی(ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی ، تهران، ایران

مجله علمی پژوهشی تاریخ- شماره ۵۹- زمستان ۹۹- صفحه ۲۳۵-۲۱۷

تاریخ دریافت مقاله : ۹۹/۴/۳۰ تاریخ پذیرش ۹۹/۱۲/۳

چکیده

تاریخ‌نامه هرات، تألیف سیفی هروی یکی از مهمترین کتب تاریخ محلی ایران در عصر ایلخانان است که به زبان فارسی نگارش یافته است. این پژوهش درصدد است، با بررسی زندگی‌نامه، آثار، منابع اطلاعاتی مورخ در نگارش اثر، گرایش‌های مذهبی وی، انگیزه‌های تألیف، محتوای آثار، شاخصه‌های تاریخ‌نگاری وی را از خلال روایات ارائه نماید تا بتوان با شناخت منظومه فکری مورخ، روش تاریخ‌نگاری وی را در این خصوص نشان دهد. یافته‌های پژوهش حاضر، مبتنی بر روش تاریخی و بهره‌گیری از شیوه کتابخانه‌ای، نشانگر این موضوع است که هروی با نگارش مجموعه غیاثی و اختصاص بخش‌هایی از تاریخ هرات به اخلاق سیاسی، تاریخ را در زمره علوم نقلی ندانسته و آن را به حکمت عملی نزدیک کرده و عرصه‌ایی برای انعکاس حکمت عملی قرار داده است. او در روش تاریخ‌نگاری خود از رویکرد انتقادی و علی بهره برده اما نتوانسته آن را اساس کار خویش قرار داده و از آن به‌طور فراگیر استفاده نماید. بازتاب مسایل اجتماعی یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های تاریخ‌نگارانه اثر مورخ و بیانگر رویکرد جدی وی به مسایل اجتماعی است. تاریخ‌نامه هرات به جهت اشتغال بر شرح برخی از شعرا و علما و بزرگان نیز در خور توجه است.

واژگان کلیدی: تاریخ‌نامه هرات، سام‌نامه ، مجموعه غیاثی ، سیفیه‌روی، خاندان کرت.

عصر ایلخانان مغول، از جهت رشد و غنای منابع تاریخی یکی از دوران برجسته تاریخ نگاری ایران است که تاریخ نویسی در ایران رواج تمام یافت. (زرین کوب، ۱۳۸۳: ۴۸) تاریخ نگاری این عصر پربار بوده و آثار به نگارش درآمده از نظر سبک، روش، نوع و شیوه تاریخ نگاری بسیار پراهمیت است. از انواع تاریخ نگاری این عصر، تاریخ نگاری محلی است که برخی از ویژگی های آن عبارتند از: توجه به باستان گرایی و فرهنگ ایران باستان و احیای سنت های پیشین، توجه به قدمت شهر و اهمیت آن در گذشته که گاهی آن را با روایات افسانه ای و اسطوره ای مرتبط می سازد. حب وطن؛ از آنجا که عموماً نگارش تاریخ محلی توسط فردی انجام می گرفت که در آن محل تولد یافته و یا در آنجا زندگی کرده است لذا این وطن دوستی و علاقه به زاد و بوم از ویژگی های مهم تواریخ محلی است و در حقیقت، نمادی از احساس نیاز به ارزشمندی وطن و زادوبوم از سوی مورخ است؛ بازتاب اوضاع اجتماعی مردم منطقه و ابعاد زندگی اجتماعی؛ بازتاب احوال رجال اعم از فرمانروایان، شاهزادگان، سرداران، امرا، بزرگان علم و ادب، شعرا و ادبا، و مشایخ صوفیه و محدثان، فقیهان و دیگر طبقات (چلونگر و احمدی تبار، ص ۷۷)؛ نگارش تواریخ به زبان فارسی؛ فرمایشی و دستوری بودن برخی از این نوع نگارش ها، زیرا عموماً به دستور حکام وقت و یا به منظور تقدیم به آنان تالیف گردیدند؛ بیان داستان گونه شکل گیری شهر و ذکر وجه تسمیه آن؛ بازتاب ویژگی های جغرافیای طبیعی محل، وسعت، آبادانی شهر و روستاها، وصف آب و هوای منطقه، نوع زراعت و محصولات و دیگر ویژگی ها؛ بازتاب فضایل، احوال، خلق و خوی مردمان شهر، آداب و رسوم، باورها و اعتقادات، زبان و غیره؛ بازتاب چگونگی بناها، قلعه ها، حصارها، کتابخانه ها، مزارها، دروازه ها، قنوات و مساجد؛ شرح شورش ها، جنگها، لشکرکشی ها، غارتگری ها و حوادث تاریخی و سیاسی؛ بازتاب اوضاع اقتصادی از جمله، ذکر انواع مالیات ها و خراج ها و نوع مالیات گیری، وضعیت طبقات مختلف جامعه و زندگی توده مردم (چلونگر و احمدی تبار، ۹۲، ۸۷؛ میرجعفری و آشوری، ۱۳۸۳: ۷۴)

در ارتباط با اهمیت تاریخ نگاری محلی باید اشاره کرد که مشرق ایران دارای تاریخ نگاری محلی بوده که به گفته روزنتال «سنگ بنای حفظ میهن پرستی ایرانیان بشمار می آمد» (روزنتال، ۱۳۶۶: ۱۸۳/۱) یکی از مهمترین های شهرهای خراسان در دوره ایلخانان شهر هرات است، یاقوت حموی که در سال ۶۱۴ هجری در این شهر بوده، درباره آن می نویسد: «در خراسان شهری بزرگتر، مهم تر، نیکوتر، با رونق تر و پر جمعیت تر از هرات ندیده ام» (لسترنج، ۱۳۹۰: ۴۳۵)

اهمیت شهر هرات در سرزمین خراسان، توجه برخی از مورخان را به خود معطوف داشت تا اوضاع سیاسی اجتماعی و جغرافیایی این شهر مهم را به نگارش درآورند.

کاتب چلبی، نویسنده کتاب *کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون*، در اثر خویش از هفت کتاب که در مورت هرات به نگارش درآمده یاد می‌کند، اما اشاره‌ای به کتاب *تاریخ نامه هرات* و مثنوی «سام‌نامه» ندارد. (روضه‌الجنات، ۱۳۳۹: مقدمه، ۲/ ۳۹) از تواریخ یاد شده، تنها کتاب *روضه‌الجنات اسفزاری* و *تاریخ نامه هرات سیفی* هروی بر جای مانده است.

لازم به ذکر است که تاکنون پژوهش مستقلی در زمینه بررسی تاریخ‌نامه هرات صورت نگرفته است. و تنها در خلال برخی منابع اشاراتی گذرا و سطحی به سیفی هروی بدون بررسی نحوه تاریخ‌نگاری و ویژگی‌های آن، صورت گرفته که در خور توجه چندانی نمی‌باشد. از این رو، بررسی مستقل و روشمند در این خصوص اهمیت می‌یابد.

این پژوهش با رویکرد توصیفی - تحلیلی درصدد است، با بررسی زندگی‌نامه، آثار، منابع اطلاعاتی مورخ در نگارش اثر، گرایش‌های مذهبی وی، انگیزه‌های تالیف، محتوی اثر، شاخصه‌های تاریخ‌نگاری وی را از خلال روایات کتاب ارائه نماید تا با شناخت منظومه فکری مورخ، روش تاریخ‌نگاری وی را مورد بحث و بررسی قرار داد.

۱. زندگی‌نامه

نام وی سیف‌بن محمد بن یعقوب‌الهروی معروف به «سیفی هروی» است. براساس اطلاعات کتاب، تولد وی در سال ۶۸۱ هجری است. وی در بیان اخبار سال ۶۸۷ هجری که مردم هرات به علت بی‌سامانی هرات، شهر را ترک کردند؛ کودکی ۶ ساله بوده است «و بنده مذنب، سیفی - که جمع‌کننده این کتاب است - در آن وقت شش ساله بود و یاد دارد که خلق از شهر بیشتر پیاده به اسفزار و جام و خواف و غور و غرجستان رفتند» (سیفی هروی، همان، ۳۸۰). از تاریخ درگذشت وی، اطلاع دقیقی در دست نیست.

دوران مورخ، مصادف با حکومت سلسله آل کرت است. وی در عهد فخرالدین کرت و ملک‌غیاث‌الدین کرت در هرات می‌زیسته است (اعتمادی، ۱۶: ۱۳۲۲) سلسله آل کرت از جمله سلسله‌های مهم محلی در تاریخ ایران بودند که در دوره مغولان و ایلخانان و اوایل حکومت تیمور بر بخش وسیعی از شرق ایران به مرکزیت هرات حکومت داشتند. (نصیری جوزقانی،

۱۳۸۹: ۱، ۴) آنان حدود یک سده و نیم، (۷۸۳-۶۴۳ ق) نقش بسیار تعیین کننده‌ای در شرق ایران بر عهده داشتند. در دوران حمله مغولان، چون سلاطین این سلسله در برابر آنان از در انقیاد درآمدند، بنابراین از دوره جانشینان چنگیز و ایلخانان آنان حکومت و امارت بر هرات و نواحی و مناطق اطراف هرات از جانب ایلخانان مغولی به آنان واگذار گردید (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۱/۱۶۵؛ خواندمیر، ۱۳۸۰: ۳/۳۶۸؛ جونی، ۱۳۸۵: ۲/۲۵۵). و دوران حکومت این سلسله تا سال ۷۸۳ ق. که آخرین حکمران آن ملک غیاث‌الدین بدست تیمور گورکانی منقرض گردید ادامه یافت (حافظ ابرو، ۱۳۸۰: ۲/۵۶۵-۵۵۶؛ شامی، ۱۳۶۳: ۸۲-۸۵؛ نظنزی، ۱۳۸۳: ۲۳۷-۲۴۰؛ اشپولر، ۱۳۸۶: ۱۶۶)

وی تحصیلات خود را در شهر هرات انجام داده، در ادبیات فارسی و عربی تبحر داشته و علوم و معارف اسلامی را کسب کرده، وی به واسطه استادش سعدالدین حکیم، به خلعت فخرالدین کرت (د ۷۰۶ ق.) درآمد (همان، ۴۸۳) و از شاعران و قصیده سرایان دربار وی گردید. (صفا، ۱۳۶۹: ۱/۱۲۴؛ اشپولر و دیگران، ۱۳۸۰: ۲۸۵؛ بیات، ۱۳۷۷: ۱۷۷) سیفی تا تسخیر هرات توسط الحایتو در این شهر ماند و به اسارت مغولان درآمد. وی در این باره می‌نویسد «القصه بنده را بگرفتند و سروپای برهنه، پیش بوجای بردند و به زخم چوب و چماق مجروح گردانیدند...» (سیفی هروی، همان: ۵۵۳) او پس از عرض بندگی در نزد بوجای، وعده داد که در آینده نسبت به مغولان وفادار باشد، سرانجام بوجای او را عفو نمود و از این بلا نجات یافت. (همو، مقدمه: ۳۱ و ۵۵۳). بعد از این واقعه، سیفی تا مدتی از درگاه امرای کرت دور ماند. زیرا ملک غیاث‌الدین (۷۲۹-۷۰۸) برادر ملک فخر-الدین، حاکم هرات بود و تا مدتی اعتنایی به سیفی نداشت. شاید بخاطر اینکه وی را از هواداران برادرش فخرالدین می‌دانست که با وی رقابت داشت.

سال ۷۱۷ هجری، سیفی دوباره به دربار غیاث‌الدین راه یافت و مورد عنایت وی قرار گرفت و سبب آن، این بوده که مورخ، کتابی در علم آداب نوشته و آن را «مجموعه غیاثی» نام نهاد و به وی اهدا کرد. ملک غیاث‌الدین آن را پسندید و نسبت به سیفی اظهار محبت نمود (همو، ۱۳۸۳: ۴۹-۵۱) و به او دستور داد که «تاریخ هرات» را از آغاز هجوم چنگیزخان تا دوره حکومت وی بنویسد (صفا،

۱۲۴۱/۱۳۶۹، ۳)

۲. گرایش مذهبی

در ارتباط با عقاید مذهبی هروی، باید گفت که وی در کتاب تاریخ نامه هرات، به مذهب و عقیده دینی خود به صراحت اشاره ننموده اما با توجه به مطالبی که در کتابش ذکر شده، میتوان چنین استنباط کرد که وی شیعه یا متمایل به شیعه بوده است. برای نمونه، با ذکر احادیثی از حضرت علی (

ع) از او با عنوان: «امیرالمومنین علی، کرم اله وجهه» یاد نموده (سیفی هروی، ۱۳۸۳: ۱۸۹) او همچنین در قسمت‌های دیگر کتابش به مناسبت‌های مختلف کلام و یا شعری از حضرت علی بیان نموده است (همان، ۱۱۶، ۱۸۱، ۲۰۱، ۲۰۳، ۲۰۶، ۳۷۸، ۶۳۷) در ذکر رفتن ملک غیاث‌الدین به دربار اولجایتو، وقتی که از هرات به مشهد رفته و به زیارت مرقد حضرت امام رضا (ع) شرفیاب گردیده، مورخ آن را چنین بیان می‌کند: «بعد از سه روز به مشهد متبرک طوس در آمد و زیارت تربت مقدسه و روضه مطهره سلاله النبویه، جلال آل یاسین علی بن موسی آل‌رضا، علیهماالسلام و الاکرام، دریافت. والی مشهد مرتضی اعظم سلطان نعباء العرب و العجم، مصدر الجود والاحیا، مفخر آل عبا، بدرالحق و الدین،

تفاخر نموده بدو آل هاشم تظاهر فزوده بدو آل حیدر
به اجداد او بطحا و یثرب به اسلاف او مفخر محراب و منبر

(سیفی هروی، ۱۳۸۳: ۵۶۶)

عبارت و مضامینی از قبیل؛ روضه مطهره، جلال آل یاسین، اعظم سلطان عرب و عجم، آل حیدر و عباراتی از این قبیل، نشانگر تمایلات شیعی مورخ است.

مورخ در جای دیگر، این بار در مورد زیارت ملک شمس‌الدین از مرقد حضرت امام رضا می نویسد «چون به مشهد متبرکه طوس رسید بعد از آن که زیارت تربت مطهره معطره سلاله النبویه، قرهء عیون المصطفویه، علی بن موسی الرضا، رضی الله عنهما دریافت» (همو، همان: ۲۰۶) این مسئله هم ارادت مورخ به امام رضا (ع) و جایگاه آن امام به عنوان سلاله مطهر آل رسول را، نمایانگر می سازد.

۳. کارنامه علمی

سیفی هروی دارای سه اثر بوده است: ۱. سام‌نامه ۲. مجموعه غیاتی ۳. تاریخ‌نامه هرات (تاریخ هرات). از این آثار تنها کتاب تاریخ‌نامه هرات موجود است.

۱-۳. سام‌نامه :

مثنوی سام‌نامه که حماسه تاریخی و چکامه رزمی است در بیست هزار بیت در پنجاه جزو مصور، به شیوه شاهنامه فردوسی، در شرح جنگهای سردار معروف هرات جمال‌الدین محمدسام سردار سپاه سلطان ال‌جایتو مغولی سروده شده است. این کتاب در وقت فتح هرات نابود گردید (اسفزاری، ۱۳۳۹: مقدمه، ۴۰/۲).

۳-۲. مجموعه غیاتی:

این کتاب را سیفی هروی در علم اخلاق گردآوری و به ملک‌غیاث‌الدین اهدا نمود «در علم اخلاق نسخه‌ای که موسوم است به مجموعه اخلاقی پرداخته بودم و تألیف آن را واسطه عرض خود ساخته [...] متوجه در گاه فلک سای [...] غیاث الحق و الدین [...] گشتم و در مقام عبودیت، خدمت بجای آوردم و آن کتاب را عرض کردم.» (سیفی هروی، همان: ۴۹-۵۱) از این کتاب، اثری به جا نمانده است.

۳-۳. تاریخ نامه هرات:

تاریخ‌نامه هرات، مهم‌ترین کتاب تاریخ محلی شهر هرات است. این کتاب تنها اثر به جا مانده از نویسنده است. کتاب به درخواست ملک‌غیاث‌الدین کرت به نگارش درآمده. مورخ به زمان تألیف اشاره نمی‌کند ولی از این که در مقدمه و چند جای متن، نام ممدوح خود یعنی ملک‌غیاث‌الدین را با عنوان «الحاج» و «سلطان الحاج» یاد می‌کند، مسلم است که ملک‌غیاث‌الدین بر اساس روایت مولف در سال ۷۲۱ق. به زیارت کعبه مشرف شده، بنابراین تصور می‌شود وقتی غیاث‌الدین در سال ۷۲۱ از مکه مراجعت کرده و مورخ کتاب را به او تقدیم کرده، در ضمن می‌نویسد: «چنین کتاب دو سال و نیم به آخر نمی‌رسیدی...» (سیفی هروی، همان: ۶۴۱) در این صورت تاریخ تألیف ۷۱۸ تا ۷۲۱ق. خواهد بود، چنانکه وقایع مذکور، در این مجلد نیز به سال ۷۲۱ق پایان می‌یابد. (همان، مقدمه: ۳۵).

۴. انگیزه تألیف

همان‌طور که اشاره رفت، سیفی هروی به فرمان ملک‌غیاث‌الدین مبادرت به نگارش تاریخ‌نامه هرات نمود و در این مورد از حمایت وی بهره‌مند گشت. امیر مذکور ضمن راهنمایی‌های لازم دستور می‌دهد که مطالب کتاب را مستند بنویسد و از نوشتن رویدادهای غیر واقعی خودداری کند «بعد از آن فرمان اعلی ... به نفاذ پیوست که خطه معموره و بلده محروسه هرات، ... که از امهات بلاد خراسان است، بلکه کعبه ثانی و بغداد مسلمانی... از عصر چنگیز خان تاریخ نامه ای ندارد و چون در جنب تواریخ واقعات و حوادث بلدان و امصار خراسان شهر هرات کیفیت عن المکروهات و البلیات اکثر الحادئات و الواقعات است...» (همو، ۱۳۸۳: ۵۲) و چون که اخبار آن دیار روشن نیست، مأمور می‌گردد بر: «وجه راستی، اسامی و سیر تواریخ ملوک و امرا و حکام که

از عهد پادشاه چنگیزخان تا امروز در خطه هرات[...]. در کتابت آور و به آیات ربانی و احادیث نبوی و امثال موشح گردان و به زیور اشعار تازی و پارسی مزین کن» (همو، همان: ۵۲)

۵. شیوه نگارش و روش‌شناسی سیفی هروی

در دوره ایلخانان مغول زبان فارسی استقلال پیدا کرد. هر چند این روند تدریجی بود، لیکن بطور رسمی، متون به زبان فارسی نگاشته شد. (میرجعفری و عاشوری نژاد، ۱۳۹۰: ۷۶). نکته دیگر در بیان سبک متون تاریخی این دوره، تداوم نگارش متون به نثر مصنوع منشیانه بود. نهضتی که در اواخر قرن ششم و آغاز قرن هفتم پدید آمد و با موفقیت ادامه یافت و برخی مورخان قرن هفتم و هشتم را بر آن داشت که شیوه آنان را دنبال کنند. در این دوره مورخانی چون جوینی، ناصر منشی در سمت‌العلی و سیفی هروی در تاریخ‌نامه هرات هر یک به نحوی، شیوه مورخان متصنع را در آثار خود دنبال کردند. (صفا، ۱۱۵۷/۱۳۶۹، ۳-۱۱۵۸) سیفی هروی، بر حسب صنعت نثر نویسی و سخن‌پردازی و صحنه‌سازی هر جا که سخن به وصف و شرح بهار و خزان و وصف جنگ‌ها و پیروزی‌ها و شکست‌ها است، راه تصنع و تکلف و اغراق‌گویی پیموده و قدرت قلم خویش را به نمایش گذاشته است اما در بیان تاریخ شیوه‌ای روان دارد و در بیشتر روایات از اشعار ادبی استفاده نموده است.

یکی از وجوه نگرش سیفی به تاریخ، وجه روش‌شناسانه آن است. او در این مفهوم، روشی را پیش روی خویش قرار داده که بیشتر مبتنی بر رویکرد توصیف و گاه تحلیل است. مورخ رسیدن به واقعیت تاریخی و در حقیقت تبیین آن را، در دو مرحله، ابتدا دستیابی به خبر تاریخی و سپس تجزیه و تحلیل و روایت آن، استوار می‌نماید. وی روش رسیدن به خبر تاریخی را، اخذ آن از معتبران به شکل نقل و روایت و یا بر اساس دیده‌ها و مشاهدات دانسته است. به سخن دیگر شیوه‌های کسب خبر تاریخی از منابع ثقه را در سه شکل، الف. مشاهدات شخصی (دیده‌ها)؛ ب. منابع روایی و اطلاعات شفاهی (شنیده‌ها)؛ ج. منابع مکتوب (روایت شده‌ها) تقسیم‌بندی کرده است.

نظر به اینکه، بیشتر رویدادهای کتاب راجع به حوادث زمان مؤلف است، بدیهی است که بخش زیادی از گزارشات کتاب حاصل مشاهدات شخصی وی و یا شاهدان عینی بوده: «و بنده مذهب سیفی در آن وقت شش ساله بود و یاد دارد...» (سیفی، همان: ۴۰۳). بر اساس روایت کتاب، ذکر حوادث از سال ۶۳۵ حاصل مشاهدات خود مورخ است. از طرف دیگر چون وی معاصر با ملوک

آل‌کرت هرات و در خدمت آنان بوده، دسترسی به بسیاری از ابلاغیه‌ها و قراردادهای و پیمان نامه‌ها و اسناد را داشته است. (سیفی هروی، همان: ۳۴) بخشی دیگر از منابع اطلاعاتی مورخ، حاصل منابع شفاهی بوده که از دیگران شنیده است. وی در بیشتر موارد در ذکر منابع شفاهی خود می‌گوید: «راوی چنین گفت»، «چنین شنیدم از راویان هرات»، «چنین شنیدم از راویان معتبر با خبر و از ناقلان با دها و ذکا»، «راوی گفت»، «راوی چنین تقریر کرد»، «چنین شنیدم از ثقات هرات»، «چنین شنودم از راویان فرخنده‌رای»، «چنین شنودم از راویان ستوده صفات»، «مؤلف کتاب [سیفی] از پیران بسیار سال چنین شنود»، «از مولانا مرحوم خواجه ناصرالمله والدین چشمتی، چنین شنودم که او گفت» (سیفی هروی، همان: ۳۲۵، ۳۲۴، ۱۸۷، ۱۸۳، ۱۲۸، ۱۲۴، ۱۱۹، ۱۰۶، ۹۶).

نوع دیگر روایت آن است که مورخ خود به سراغ متن مکتوب رفته و خبر را از آن برگرفته است، منابع مکتوب مورد استفاده مورخ عبارتند از «تاریخ هرات» تألیف عبدالرحمن بن عبدالجبار فامی، «کرت‌نامه ربیعی» تألیف ربیعی پوشنگی، «طبقات ناصری» تألیف قاضی منهاج سراج، «تاریخ جهان‌گشا» تألیف عظاملک جوینی، «تاریخ‌غازا نی» تألیف رشیدالدین فضل الله، «تاریخ خراسان»، «اخلاق خانی» که در عهد چنگیزخان یا پسرش اوکلای نوشته شده است. (سیفی هروی، همان: ۳۲۸، ۱۳۱، ۱۰۹، ۱۰۰، ۹۶، ۶۳).

در برخی از قسمت‌ها، مؤلف نام کتاب مورد استفاده خود را ذکر نمی‌کند و به این بسنده می‌کند که «در بعضی کتب چنین خوانده‌ام»، «در تواریخ چنین مذکور و مسطور است»، و یا «در تواریخ چنین خوانده‌ام» (سیفی هروی، همان: ۷۲، ۹۶، ۱۰۶).

جوهره اصلی هر روش تاریخی دو رویکرد تعلیل و انتقاد است. رویکرد تحلیلی، علم به قواعد و سنن حاکم بر حوادث گذشته است که از مطالعه و بررسی حوادث و رویداد‌های گذشته به دست می‌آید. در این رویکرد، یافتن رابطه علی میان پدیده‌ها مورد توجه مورخ قرار می‌گیرد. (ملائتی توانی، ۱۳۹۲: ۸۹). تبیین نیز به معنای درک جریان رویدادها در جهت نشان دادن پیوند منطقی میان رویدادها و پدیده‌ها است (استفورد، ۱۳۹۲: ۱۴۷، ۲۱۴). بنابراین آنچه در تاریخ‌نگاری تحلیلی مهم است، به کارگیری نیروی اندیشه در کشف حقایق حاکم بر جریان‌ها و رویدادهای تاریخی و شناخت علت‌ها و ریشه‌ها و چرایی رویدادهای تاریخی است. سیفی هروی کوشیده است از رویکرد یاد شده بهره گیرد اما نتوانسته آن را اساس کار خویش قرار دهد. او رشته حوادث را به تفصیل نقل می‌کند، چگونگی وقایع سیاسی را که از دوره‌های پیشین در مورد شهر هرات رخ داده روایت می‌کند و گاه به بیان علل و اسباب آنها می‌پردازد، در حقیقت مورخ کوشیده به نقل ساده رویدادها اکتفا نکند و

در حد امکان، علت و سبب آنها را، با آوردن جمله «سبب آن بود» و یا «بدین واسطه/ بواسطه این» بازجوید (همو، همان: ۶۶۶، ۵۶۱، ۴۷۲، ۴۳۷، ۴۲۴، ۴۰۲، ۴۰۱، ۳۹۸، ۳۸۵، ۲۲۵، ۲۱۹، ۲۰۷، ۱۹۷). به‌طور نمونه، سیفی علاوه بر پرداختن به حوادث شهر هرات، حوادث و رخداد‌های فتح و ویرانی دیگر شهرهای خراسان از جمله؛ بلخ، مرو، نیشابور و فتح حصارهای آن دیار را روایت کرده است، مورخ علت آن را، به‌خاطر این دانسته که «تا ارباب خرد و اصحاب تمیز بدانند که بنده اضعف را در سخن گذاری و تالیف حکایات بخلی نیست.» (سیفی هروی، ۱۳۸۳: ۹۵)

و یا در ذکر حوادث سال ۶۸۷ ق. علت تیرگی روابط ارغون با ملک شمس‌الدین را، سخن چینی و بدگویی امرا نسبت به ملک شمس‌الدین ذکر می‌کند (همو، ۴۰۲) (همو، ۲۴۰)

و دیگر، در بیان چگونگی رابطه امرای آل کرت هرات با ایلخانان و شاهزادگان مغولی، کوشیده آن را برپایه علت‌های تاثیرگذار بر این روابط تحلیل کند. در این روابط از عدم ثبات رفتار و تصمیم‌گیری‌ها و حسادت و کینه‌توزی و بدگمانی‌های ایلخانان نسبت به ملوک و کارگزاران آل کرت سخن می‌گوید که پیوسته دستخوش تغییر و دگرگونی است که به رغم وفاداری امرای دربار کرت، به بهانه‌های گوناگون و دسیسه‌های مختلف حاکمان و شاهزادگان ایلخانی، شهر هرات در معرض تهدید و حمله و دستبرد مغولان قرار گرفته است.

و یا درخصوص رفتن دانشمند بهادر به محاصره شهر هرات در سال ۷۰۶ ق. آورده است که: «و سبب آن بود که چون اولجایتو سلطان بر تخت بنشست، بر خلاف ملوک خراسان ملک فخرالدین به اسم تهنیت به درگاه او نرفت. اولجایتو سلطان از آن معنی در غضب شد. (همو، همان: ۴۸۵) در حقیقت بیان سبب بسیاری از رویدادها و وقایع تاریخی، به تاریخ‌نگاری او و وجه برجسته‌ای بخشیده

است. (همو، همان: ۳۹۸، ۴۳۷، ۴۷۲، ۵۶۱، ۱۱۸، ۴۷۸، ۴۸۵، ۵۷۳، ۶۲۲، ۶۳۴، ۶۲۰، ۶۲۱، ۷۰۹، ۷۵۰).

از ویژگی‌های تاریخ‌نگاری تحلیلی، رعایت بی‌طرفی و انصاف در روایت رویدادها است. سیفی هروی کوشیده است تا حد امکان از رویکرد یاد شده بهره‌گیرد، به‌طور مثال در کتابش در بزرگی و عظمت و تدبیر و دینداری خاندان آل کرت و ولی نعمتانش از جمله ملک‌غیاث‌الدین سخن به میان آورده، ولی این امر مانع از آن نمی‌شود که به جانبداری و مدح مطلق آنها بپردازد چنان‌که، در بیان واقعه محاصره و فتح قلعه و حصارگیری به اشتباهات ملک شمس‌الدین، اشاره می‌کند: «ملک شمس‌الدین حصار تیری را، به جنگ بگرفت و بفرمود تا "المار" را به دو نیم زدند و از ملازمان و مقربان او پنجاه تن را میل کشیدند و پنجاه تن را دست و پای بیرون کردند و پنجاه تن را گوش و بینی بریدند

و سیصد تن را چوب زدند و باقی را [به] حسام الدین بخشید. «(همو، ۲۴۰) مورخ با روایت این حکایت، به ذکر علت آن نیز می‌پردازد و آن را عدم تابعیت و کوتاهی در خدمتگزاری و خراجگزاری وی ذکر می‌کند که این موضوع باعث رنجش ملک شمس‌الدین گردیده (همو، ۲۴۰) در حقیقت، سیفی هروی به عنوان خدمتگزار خاندان آل‌کرت، اگر چه به امر ملک غیاث‌الدین مأمور به نوشتن تاریخ نامه هرات گردید و بسیار به مدح امیران آل‌کرت نیز پرداخته، اما کوشیده مراعات راستی و درستی را داشته باشد و از جاده انصاف و حقیقت‌گویی منحرف نگردد. چنان‌که به روایت رویدادها آن‌چنان که اتفاق افتاده و خود شاهد برخی آنان بوده و یا از شاهدان شنیده، که گاه این روایات، گوناگون و گاه متناقض است، می‌پردازد و به قول خود نظر «اصح» را بازگو می‌کند. چنان‌که گفته شد، اگر راجع به یک مسئله، دو حکایت ناموافق شنیده، نقاط اختلاف را بی‌کم و زیاد با نام گویندگان از روی مدرک و سند روایت می‌کند، و با ذکر «اما اصح آن است» (همو، همان: ۱۱۲-۱۱۱، ۱۱۸، ۱۰۹، ۲۲۱، ۲۲۰) به تصحیح روایت می‌پردازد. سپس این نکته را یادآوری می‌نماید که مقصود او از نوشتن این کتاب، تدوین و ضبط حقایق امور است نه قضایای موهوم و ساختگی. و اذعان می‌نماید که «و آنچه محقق و مصدق بود و از خلاف دور، در این کتاب آوردم» (همو، ۵۴)

سیفی پس از اتمام کتاب، آن را به مطالعه علما و دانشمندان زمان خود رسانیده تا اگر ایرادی دارند اظهار کنند، وقتی صحت مندرجات آن را تصدیق نمودند، آن‌گاه کتاب را نشر داده، چنانکه نوشته: «بنده اضعف در تألیف این تاریخ چندانک امکان داشت کوشید و هر چه نوشت بر پیران و متقدمان شهر هرات و طایفه‌ای که بر قلم و قدم ایشان اعتماد کلی بود عرض کرد که همه به اتفاق گفتند «که آنچه در کتابت آوردی راست است و ما چنین دیده‌ایم و چنین دانسته و از آبا و اجداد خود نیز شنیده» (همو، ۱۷۵). و این امر را به خاطر التزام غیاث‌الدین کرت می‌داند که: «قصص و حکایاتی که در این تاریخ نامه ثبت خواهد شد، باید که راست بود و از کذب و مفتریاتی که در سایر کتب نوشته اند معرا و مبرا باشد، که ارباب دانش و اصحاب بیش به خواندن و نوشتن این حکایات مایل شوند.» (همو، ۱۷۵)

رویکرد نخبه‌گرایانه؛ یکی از شاخصه‌های منظومه فکری مورخ، نگرش نخبه‌گرایانه است. از این دیدگاه، منشأ و مصدر تحولات تاریخی، سیاسی و اجتماعی کنش‌های نخبگان است. این نخبگان هستند که حاکمیت، تصمیم‌گیری، عمارت و آبادانی و اداره امور جامعه را عهده‌دار هستند. تاریخ‌هرات، نزدیک به این دیدگاه به نگارش درآمده، آنچه در این کتاب بازتاب یافته، تحولات

برآمده از اقدامات نخبگان جامعه یعنی، امرای آل‌کرت و کارگزاران آنان است که وقایع و رویدادها در ارتباط با آنان روایت و تحلیل می‌شود.

سیفی‌هروی متأثر از این دیدگاه، امرای آل‌کرت را کانون تحولات دانسته و به روایت عملکرد و اقدامات ولی‌نعمت‌های خویش، که در برخی جاها با تفصیل به ذکر خصوصیات و فضایل آنها به شیوه ادیبانه و زیبا و با نثری فنی و مصنوع، می‌پردازد و از اقدامات آنان با عظمت و نیکی یاد می‌کند (همو، همان: ۲۰۰-۱۹۹، ۶۰۰-۵۹۸، ۶۶۱، ۵۵۷) و در این امر به آیات و احادیث استناد می‌جوید.

مورخ، متأثر از رویکرد ستایش‌گرانه به مدح امرای زمانه خود نیز می‌پردازد چنانکه در خصوص ملک‌غیاث‌الدین می‌نویسد « درگاه فلک‌سای و بارگاه جهان‌آسای خداوند برحق و مخدوم مطلق، ملک‌الاعظم، شاهنشاه‌الاکرم‌الاحکمه ضل‌اله فی الخافقین، سلطان‌الحاج والحرمین، مظهر کلمه الله العلیا، المظفر علی‌الاعداء الله، اعدل ملوک‌المغرب و المشارق، صاحب آیات‌المجد و الکلمات [...] جمشید عهد و زمان، ملک‌غازی ابوالفتح محمد بن محمد بن محمد بن ابی‌بکر کرت. » (سیفی‌هروی، همان: ۴۹) و یا در روایت حکومت شمس‌الدین محمد بن ملک‌مجدالدین کالیوینی در هرات می‌نویسد « شب و روز در کار عمارت و زراعت و تربیت رعیت ولایت، سعی بلیغ و اجتهاد کلی مبذول داشت » (همو، همان: ۱۷۲) و بیشتر جنبه‌های مثبت و سازنده آنان را مطرح نظر دارد، ولی با این حال نگرش بی‌طرفانه خود را لحاظ کرده و از روایت واقعیات، غفلت نورزیده و تا حد امکان تصویری روشن و گویا با ذکر سبب رویدادها ارائه می‌نماید تا خواننده درک درستی از واقعیت‌ها داشته باشد.

نگرش دینی - انسانی؛ از دیگر شاخصه‌های منظومه فکری مورخ، نگرش مشیت‌گرایانه وی است، در تاریخ‌نگاری مبتنی بر مشیت‌الهی، مورخ به جای کشف روابط میان پدیده‌ها و بکارگیری اندیشه در تحلیل و تعلیل آنها، به بیان وقایع به شکلی پراکنده و بدون ایجاد هرگونه پیوند منطقی میان آنها و عدم نگرش ریشه‌شناسانه نسبت به حوادث و پدیده‌ها و یا نقد و عدم ایجاد رابطه علی میان آنها، به قضا و قدر و اراده خدا اکتفا می‌کند. در این منظر، مشیت‌الهی و نه اراده و نقش انسان، محرک تاریخ دانسته می‌شود. (شرفی، ۱۳۹۲: ۷۱-۷۰).

سیفی‌هروی از مورخانی است که تا حدودی متأثر از این نگرش بوده و شاید تحت باورهای دینی نتوانسته به طور کامل از سیطره چنین نگرشی خارج گردد. اما وی را به سبب دغدغه‌هایش در واکاوی علت‌ها، نمی‌توان یک مورخ مشیت‌گرا به طور مطلق دانست، چنان‌که بخش‌های بسیاری از

اثر وی، برآیند کنش و واکنش، رفتارها و تصمیمات و اقدامات انسانی است که برخلاف مورخان مشیت‌گرا، گاه از منظری انسانی به واقعیات نگریسته و در نقش اصلی وقوع حوادث، کمتر به مشیت خداوند و تقدیر الهی بلکه به اعمال و کردارهای انسانها توجه دارد. در حقیقت در این نوع نگرش، سیفی‌هروی به‌طور دائم و کامل، همه امور را به امورات انسانی نسبت نمی‌دهد و منکر مقدرات الهی نیز نمی‌شود، بلکه در برخی مواقع، سبب کارها را تقدیر الهی می‌داند. چنانکه در ذکر حوادث سال ۶۹۸ ق. که اولجایتو سلطان، متوجه شهر هرات می‌گردد و به محاصره آن می‌پردازد ولی با وجود سازوبرگ جنگی و سپاه گران، موفق به فتح آن نمی‌شود؛ وی این امر را تنها به تقدیر و مشیت الهی مرتبط می‌داند، چنان‌که می‌گوید: «گرفتن هرات تقدیر حق تعالی نبود، اگر نه پادشاهی بدین عظمت با سپاهی بدین انبوهی چندانک امکان بود کوشید و در شرایط محاصره و مقاتلت هیچ دقیقه محمل و نامرعی نگذاشت.» (همو، همان: ۶۷۰). و در جای دیگر فتح شهر هرات به دست تولی خان را تقدیر الهی می‌داند «القصه به تقدیر حی که هرگز نمی‌میرد و زنده‌ای که نیستی نپذیرد شاهزاده تولی خان شهر هرات را از نهج صلح فتح گردانید» (همو، همان: ۱۰۸) و همچنین عظمت و پیشرفت حکومت ملک غیاث‌الدین را نتیجه فضل و عنایت خداوند می‌داند: «چون حق سبحانه و تعالی به فیض فضل خود ملک اسلام غیاث‌الدین را به مقاصد و مطالب او متصل گرداند و به بطش عظمی اعدای و منازعات ملک او را منخدول و مقهور کرد و روز به روز عظمت و حکومت او را در تصادف و مزید داشت» (همو، همان: ۷۶۸) و یا پیروزی ملک غیاث‌الدین بر فراهیان و فتح قلعه تولک بدست وی و یا کشته شدن یکی از دشمنان توسط شمس‌الدین را عنایت و لطف الهی می‌داند (همان، ۷۶۴، ۷۳۳، ۱۹۷).

همان‌طور که گفته شد، او برخلاف مورخان مشیت‌گرا، که همه امورات را به عناصر ماورایی و مشیت الهی نسبت می‌دهند و از ارائه علل و تحلیل رویدادها باز می‌مانند و نقش عوامل انسانی را ناچیز و حاشیه‌ای به‌شمار می‌آورند، عینی‌نگری به رویدادها و نقل واقعی و اسباب انسانی را مورد توجه و نظر خود قرار داده و بر اساس این نگرش، به تحلیل و سبب‌نگری حوادث پرداخته است. در حقیقت می‌توان گفت، هروی به رغم بهره‌گیری از رویکرد مشیت‌گرایانه، توانسته بینش تاریخ‌نگارانه خود را از سیطره گفتمان مسلط مشیت‌گرایی تا حدود زیادی حفظ نماید و به ذکر سبب رویدادها بپردازد اما به عوامل ماورایی و نگرش تقدیرگرایانه نیز متوسل گردیده است. (همو، همان: ۴۸۵) بیان سبب بسیاری از رویدادها و حوادث تاریخی در جای جای اثرش، به تاریخ‌نگاری او

وجهه برجسته‌ای بخشیده و باعث تمایز رویکرد وی باروش تاریخ‌نگاران مشیت‌گرا گردیده است. (همو، همان: ۳۹۸، ۳۳۷، ۴۷۲، ۵۶۱، ۱۱۸، ۴۷۸، ۴۸۵، ۵۷۳، ۶۲۲، ۶۳۴، ۶۲۰، ۶۲۱، ۷۰۹، ۷۵۰).

رویکرد اجتماعی؛ هروی در کنار توجه به تاریخ سیاسی و نظامی، به روایت آداب و باورها و فرهنگ مردم پرداخته و رویکرد اجتماعی به تاریخ را مورد غفلت قرار نداده، وی در کنار گزارشات تاریخی، به بازتاب مسائل اجتماعی پرداخته است. چنانکه در فصل اول کتابش، که اختصاص به باورها و اقوال مختلف در مورد بنای شهر هرات دارد، روایات گوناگونی را در این باره گزارش می‌کند. ذکر ریشه و بنای شهر هرات و ارتباط هرات به گذشته باستانی، تلاشی از سوی وی، برای نشان دادن قدمت و اهمیت شهر هرات است.

بازتاب مسائل اجتماعی یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های مورخ است، وی در مورد اقدامات ملک‌فخرالدین در شهر هرات می‌گوید «ملک مرحوم فخر الدوله والدین [...] حکم فرمود که عورات [زنان] به روز از خانه بدر نیایند و هر عورتی که به روز بیرون آید شمس‌الدین قارسی که محتسب است، چادر او را سیاه کند و او را سر برهنه به محلت‌ها و کوی‌ها برارند تا تجربه دیگران باشد. و نوحه‌گران و مختنان را به ماتم‌ها رفتن منع کرد [...] و خرابات را برانداخت [...] و شرابخوارگان را بعد از اقامت حدود شرع نبوی در زنجیر کشید و به کار گل کشیدن و خشت زدن، مامور گردانید» (سیفی هروی، ۴۶۴) و یا در روایت خصوصیات ملک شمس‌الدین می‌نویسد «بیشتر اوقات و ساعات صحبت با علما و فضلا داشتی و جز موافق شرع خدای عزوجل بر موجب "السلطان ظل الله" از عدل شامل و بذل وافر و عقل کامل و اصطناع خدایگان او به فراغ بال آسوده حال بودندی» (همو، ۳۸۲).

وی همچنین به بیان وصایا و سفارشات حاکمان از جمله سفارش ملک‌غیاث‌الدین به فرزندش هنگام سفر حج، می‌پردازد (همو، ۱۸۸، ۱۸۹) و نیز از خصوصیات اخلاقی، هنر و خصائل حاکمان هرات و شیوه و سیره آنان، خصوصاً در امور مذهبی سخن به میان می‌آورد. (همو، ۶۲۲، ۱۷۲، ۱۷۶، ۱۵۹)

بازتاب مسایل اجتماعی تا آن حد است که مورخ، فصلی از کتاب تاریخ هرات را به انتصاب ریاست مقام قضایی شهر هرات و ممالک آن، اختصاص داده و به نقل فرمان مذکور و اهمیت مقام علما و لزوم توجه به آنان در جهت اجرای عدالت و حدود شرع و تقویت اسلام و ذکر اختیارات صاحب مقام قضا پرداخته است. (همو، ۶۲۱-۶۱۷)

هروی، به چگونگی عمارت‌ها و بناهای شهر هرات که به فرمان حاکمان هرات انجام گرفته اشاره می‌کند. برج و باروی شهر هرات و ساختن مساجد و بازارها و زیارتگاهها و دیگر بناها به دستور ملک فخرالدین و دیگر حاکمان سلسله‌کرت، کسب دانش و و احترام به علمای دین و تلاش و کوشش آنها در جهت تحصیل علوم از دیگر موضوعات مورد توجه مورخ است (همو، ۱۷۶، ۴۶۲، ۵۷۲)

ستایش حاکمان با کفایت، قهرمانان و سرداران جنگی و تدابیر آنان در مواجهه با دشمنان و رشادتها و دلاوری‌های آنان از نکات قابل ملاحظه در تاریخ‌نگاری هروی است. وی در کتابش از قهرمانان و سرداران جنگی ستایش نموده و آنان را با پهلوانان جنگی و اسطوره‌ای شاهنامه همچون: رستم، سهراب، گیو، بیژن و غیره مقایسه نموده و همچنین حاکمان و پادشاهان کرت را با پادشاهان اساطیری ایران هم مانند دانسته و در این راستا از اشعار حماسی شعرايي مانند فردوسی و دیگر شاعران حماسه‌سرا بهره فراوان برده و چهره‌ای ممتاز از پادشاهان ممدوح خود و دیگر سرداران هرات ترسیم نموده است. (همو، ۴۹، ۱۰۸، ۲۴۷، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۷۶) گذشته همواره جزئی از هویت محسوب می‌شود و مورخ در توجه و بازتاب گذشته تاریخی، از این لحاظ که حامل میراث سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است (که از مؤلفه‌های اساسی هویت ملی به‌شمار می‌روند) آن را به تصویر می‌کشد؛ از این رو وی مانند جوینی، و صاف، حمدالله مستوفی و سایر مورخان عصر ایلخانی به دنبال تقویت هویت ایرانی است.

۶. ویژگی‌های تاریخ‌نگاری سیفی هروی

مهم‌ترین ویژگی‌های تاریخ‌نگاری هروی عبارت است از:

۱) باستان‌گرایی؛ گذشته همواره جزئی از هویت محسوب می‌شود و مورخ در توجه و بازتاب گذشته تاریخی، از این لحاظ که حامل میراث سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است (که از مؤلفه‌های اساسی هویت ملی به‌شمار می‌روند) آن را به تصویر می‌کشد؛ از این رو نگارش تاریخ و تاریخ‌نگاری همواره با دلبستگی‌های ملی و قومی همراه بوده است. از ویژگی‌های کتاب تاریخ‌نامه هرات نیز، عنایت ویژه به افتخارات باستانی است. وی حرمت و عظمت آن دوران پرافتخار را فراموش نکرده است، افتخار به قهرمانان باستانی و دستاوردهای تاریخی گذشته در این کتاب به نحو بارزی نمایان است. (سیفی هروی، ۱۳۸۳: ۶۳-۸۲)

از دیگر نشانه‌های علاقه‌مندی مؤلف به باستان‌گرایی، بیان نام قهرمانان و پهلوانان اسطوره‌ای ایران است. مثلاً وی در شرح نبردها و رشادت‌های سرداران شهر هرات و دیگر شهرهای خراسان در مقابله و مبارزه با مغولان آنان را بسان پهلوانان شاهنامه می‌داند و نبرد و دلیری آنان را می‌ستاید چنانکه می‌نویسد «با سپاهی که هر یک هنگام حرب و ضرب چون رستم زال، ماده جلادت و باس‌اند و چون بهرام گور [...] از شهر بیرون آمد» (سیفی هروی، همان: مقدمه: ۲۰) و یا از نبرد سال ۷۱۹ هجری، که پنج سر باز از لشکر غیاث‌الدین در محاصره هفتصد سرباز شاهزاده بیسور مغول قرار می‌گیرند، در وصف و رشادت و دلیری دو نفر از آن پنج نفر می‌نویسد «سه تن به سلامت رفتند و دو دیگر، یکی چون پهلوان "محمد شیخ علی" که در رزم، رستمی و دیگر چون مسافر شکیبائی، که در دلیری بیژنی، به قتل رسیدند» (سیفی هروی، همان: ۷۰۵) از همین رهگذر است که در روایت رشادت‌ها و دلاوری‌های پهلوانان و سرداران سپاه هرات، شواهد شعری فراوانی از اشعار حماسی و رزمی فردوسی و نظامی و دیگر شعرا می‌آورد و این صحنه‌ها را با اشعار زیبای فارسی آراسته می‌گرداند.

۲. وطن‌دوستی؛ یکی دیگر از مؤلفه‌های تاریخ‌نگاری عهد مغولان حب‌وطن است؛ این مؤلفه در تاریخ‌نگاری سیفی هروی نیز بخوبی نمایان است. عموماً در تواریخ محلی بابی و یا صفحات اولیه با ذکر فضیلت منطقه آغاز می‌شود. نویسنده در این مرحله به تمجید از زاد و بوم خود پرداخته و در تلاش است با بزرگ جلوه دادن حوادث در تاریخ منطقه، بر اهمیت آن صحنه بگذارد.

مؤلف در وصف شهر هرات آن را چون بغداد آباد و چون مکه با عظمت می‌داند... «خطه پاک هرات را که از مشایخ کبار و احبار و علمای اسلام و کرمان‌انام و عقلا ایام چون بغداد بود و چون کعبه معظم مکرم.....» (سیفی هروی، همان: ۱۱۹)

۳. دارای نثری فاخر و شیوا است که از نثر فنی در برخی از بخش‌ها بهره برده است، از ویژگی‌های نگارشی کتاب مذکور، بکار بردن لغات و اصطلاحات ترکی و مغولی است برخی از این لغات و اصطلاحات دولتی و حکومتی بوده و بعد از انقراض سلسله ایلخانان در ایران از بین رفته و برخی دیگر از این لغات متداول هستند. سیفی معنی لغات و اصطلاحاتی که در آن زمان متداول بوده است را در اختیار خوانندگان قرار می‌دهد. لغاتی مثل: چول=صحرا، ایلغار=حرکت سریع لشکر، یرلیغ=فرمان حکومتی، آلتغما=مهری که بر فرامین و احکام حکومتی و مراسلات رسمی با مرکب سرخ می‌زدند، اردو=اقامتگاه شاهانه، درگاه محل استقرار سپاه، الغ=بزرگ و عظیم، پایزه=انعام و مستمری، تالان=غارت و چپاول

۴) مدح و ستایش حاکمان آل کرت از جمله ملک فخرالدین و غیاث‌الدین؛ ۵) استفاده از منابع و اسناد حکومتی؛ ۶) بازتاب مسائل سیاسی و نظامی؛ ۷) بازتاب مسائل اجتماعی؛ اقتصادی و دینی؛ ۸) استفاده از آیات و روایات و امثال؛ وی به مناسبت‌های گوناگون مبادرت به ذکر آیاتی از قرآن و احادیثی از پیامبر نموده «به آیات ربانی و احادیث نبوی و آثار و امثال موشح و متحلی گردان و به زیور اشعار تازی و پارسی مزین کن» (سیفی هروی، همان: ۵۲، ۹). استفاده فراوان از اشعار پارسی و عربی از شاعران متعدد پیشین و معاصر؛ ۹) دخالت دادن بینش علی و ذکر سبب و علت برخی از حوادث و رخدادهای تاریخی؛ ۱۰) توجه به اخلاق و نکات اخلاقی و فضایل انسانی و ارزشها در رویدادهای مختلف سیاسی و اجتماعی؛ ۱۱) تنظیم و تدوین اثر، بر دو شیوه موضوعی و سال‌شمار. براین مبنا، خاندان کرت در هرات موضوع و محور نگارش قرار می‌گیرد، چنان‌که مورخ بدین امر به صراحت اشاره دارد «سال تواریخ را بر ترتیب در قلم آورم و آنچه از تواریخ ملوک و امرائی که به هرات رسیده‌اند و در هرات بوده‌اند، بنویسم انشاء‌الله تعالی» (هروی، ۱۳۸۳: ۱۳۰) هروی در به کارگیری این شیوه، تسلسل تاریخی و ترتیب زمانی وقوع حوادث را در نظر گرفته و حوادث را به شیوه سال‌شمار ذکر می‌کند، در بکارگیری شیوه سال‌شمار توسط هروی، این روش مبتنی بر تنظیم و تدوین اخبار و حوادث بر حسب ترتیب سالهاست.

نتیجه‌گیری

تاریخ‌نامه هرات مهم‌ترین تاریخ‌نامه شهر هرات و یکی از مهم‌ترین تواریخ محلی عهد مغولان است. در کتاب مذکور، مورخ کوشیده تا حوادث و رویدادهای این شهر و دیگر شهرهای منطقه خراسان را روایت کند. این اثر هر چند به امر غیاث‌الدین نگاشته شده است، ولی مورخ از ذکر واقعیات دریغ ننموده و در حد امکان به تبیین و تعلیل حوادث اهتمام ورزیده است. تمرکز اصلی بر تحولات سیاسی است ولی مورخ به تحولات اجتماعی و ذکر اخلاق و ویژگی‌های فرمانروایان و امرای نیز پرداخته است. آنچه سبب تمایز تاریخ‌نگاری او با بسیاری از تاریخ‌نگاری‌های دوره ایلخانی می‌شود، بهره‌گیری مورخ از بینش تعلیلی و انتقادی در تحلیل تحولات اجتماعی و سیاسی است. در این نگرش، مورخ در برخی از روایت‌ها، از توصیف داده‌ها و بیان ساده و صرف حوادث فراتر رفته و به تبیین روابط علی و واقعیات می‌پردازد بنابراین تاریخ‌نگاری او به صورت تاریخ‌نگاری

توصیفی-تحلیلی در آمده است. و ذکر اسباب و علل رویدادها، در اثر مذکور برجستگی و تمایز خاصی از این نظر بدان بخشیده است.

وی روایت‌های گوناگون نسبت به یک رویداد را بیان کرده سپس نسبت به درستی یا عدم درستی آن می‌پردازد و در نهایت، روایت به واقعیت نزدیک‌تر را بیان می‌دارد. همو متأثر از بینش شریعت‌مدارانه خویش، رعایت امورات شرعی توسط امرای شهر هرات را با اهمیت و دل‌بستگی خاصی منعکس می‌سازد. هر وی به گذشته باستانی ایران علاقه خاصی دارد و اندیشه ایران‌شهری بخوبی در اندیشه تاریخ‌نگاری وی نمایان است. در این راستا به مناسبت‌های گوناگون ضمن آوردن اشعار حماسی، مطالب کتاب را به اشعار شعرا مزین ساخته و تاریخ وی از این نظر به نوعی تاریخ حماسی‌گونه است. وی همچنین به مسائل و سجایای اخلاقی و ارزشی توجه ویژه نشان داده است. بنابراین تاریخ‌نامه هرات دارای ابعاد گوناگون از جمله دینی، اخلاقی، سیاسی و نظامی، و حماسی است و تاریخ‌اش انعکاس ستم‌های فراوان، اوضاع متشنج دوره مغولان و روح ویرانگری آنان و درایت و استقامت اهل هرات و امرای با کفایت آن در برابر آن اوضاع است. تاریخ وی همچنین نمایانگر علاقه و اهمیت تاریخ حوادث رویدادهای هرات و شناساندن آن به دیگران در راه جاودانه ساختن یاد و سرگذشت این سرزمین است. از این نظر تاریخ‌نامه هرات معتبرترین تاریخ موجود در مورد شهر هرات در عهد مغولان و نمونه تاریخ محلی برجسته‌ایی، از نظر نثر و شیوایی بیان و هم از نظر روش تاریخ‌نگاری است.

مورخ در مقام بیان احوال این سلسله، به روایت اقدامات سیاسی و نظامی آنها اکتفا نکرده از خصوصیات اخلاقی و طرز زندگی و ذوق ادبی و فرهنگ دوستی و دینداری و فضائل آنان نیز سخن رانده است. به وصف بناها و عمارت‌های ساخته شده توسط ملک فخرالدین و برادرش غیاث‌الدین در هرات و نیز علاقه آنان به ادبیات، صنایع و نقاشی و احیا و آبادانی و در پاره‌ای از موارد، به رویدادها و جریانات زمان خویش که میان امرای مغول و سرداران و حاکمان هرات روی داده می‌پردازد، در باره جنگها، ویرانگری‌ها و قتل و کشتارها و بی‌رحمی‌های مغولان نیز حاوی اطلاعات بسیار ارزنده‌ای است. روش حاکمان خاندان کرت را ستوده و از تدابیر و سیاست‌مداری آنان با عظمت نام برده و بردشمنان مغولی آنان لعنت و نفرین فرستاده است.

کتابنامه

- ۱- آل داود، سید علی، (۱۳۶۸)، «کرت نامه»، دایره المعارف بزرگ اسلامی، جلد ۲، مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی.
- ۲- اسفزاری، معین‌الدین محمد زمچی، (۱۳۳۹) *روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات*، تصحیح محمد کاظم امامی، تهران: دانشگاه تهران.
- ۳- استنفورد، مایکل، (۱۳۹۲)، *درآمدی بر فلسفه تاریخ*، تهران، نشر نی، چاپ ششم.
- ۴- اشیپولر، برتولد و دیگران، (۱۳۸۰)، *تاریخنگاری در ایران*، ترجمه و تدوین یعقوب آژند، تهران، گستر.
- ۵- اشیپولر، برتولد، (۱۳۸۶)، *تاریخ مغول در ایران*، ترجمه محمود میرآفتاب، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ نهم.
- ۶- اعتمادی، گویا، (۱۳۲۲)، «سیفی هروی»، آریانا، شماره ۱۰، ص ۱۶-۲۲.
- ۷- اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۸۴)، *تاریخ مغول*، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ هشتم.
- ۸- بیات، عزیزاله، (۱۳۷۷)، *شناسایی منابع و ماخذ تاریخ ایران*، تهران، امیرکبیر، چاپ ششم.
- ۹- جوزجانی، منہاج‌الدین سراج ابو عمر عثمان، (۱۳۶۳)، *طبقات ناصری*، به تصحیح عبدالحی حبیبی، تهران، دنیای کتاب.
- ۱۰- جوینی، علاء‌الدین عطاء‌الملک بن بهاء‌الدین، (۱۳۸۵)، *تاریخ جهانگشاه*، تصحیح محمد قزوینی، تهران، دنیای کتاب، چاپ چهارم.
- ۱۱- چلونگر، محمدعلی و دیگران، (۱۳۹۲)، «تاریخ نگاری محلی در دوره مغول و شاخص های آن»، فصلنامه پژوهشنامه تاریخ های محلی ایران، سال اول، شماره سوم، ص ۸۲-۶۵.
- ۱۲- حافظ‌ابرو، عبدالله بن لطف‌الله، (۱۳۸۰)، *زبده التواریخ*، تصحیح سیدکمال حاج سید جوادی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۱۳- خواند میر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین، (۱۳۸۰)، *تاریخ حبیب‌السیر*، تهران، خیام، چاپ چهارم.
- ۱۴- روزنتال، فرانتس، (۱۳۶۶)، *تاریخ نگاری در اسلام*، جلد ۱، ترجمه اسد الله آزاد، مشهد: آستان قدس رضوی، چاپ دوم.
- ۱۵- زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۸۳)، *تاریخ ایران بعد از اسلام*، تهران، امیرکبیر، چاپ دهم.
- ۱۶- سجادی، سید صادق، عالم زاده، هادی، (۱۳۹۰)، *تاریخ نگاری در اسلام*، تهران، دانشگاه پیام نور، چاپ دوازدهم.

- ۱۷- سمرقندی، کمال‌الدین عبدالرزاق، (۱۳۸۳)، *مطلع‌سعدین و مجمع‌البحرین*، به تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۱۸- سیفی‌هروی، سیف بن محمد بن یعقوب، (۱۳۸۳)، *تاریخ‌نامه هرات*، تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد، تهران، اساطیر.
- ۱۹- شامی، نظام‌الدین، (۱۳۶۳)، *ظفرنامه*، تصحیح پناهی سمنانی، تهران، انتشارات بامداد.
- ۲۰- شرفی، محبوبه، (۱۳۹۲)، «بازتاب اندیشه مشیت الهی در تاریخ‌نگاری عصر ایلخانی (با تأکید بر تاریخ جهانگشا و تاریخ و صاف)»، *جستارهای تاریخی*، سال چهارم، شماره دوم، ص ۶۹-۹۱.
- ۲۱- صفا، ذبیح‌الله، (۱۳۶۹)، *تاریخ ادبیات ایران*، جلد ۳، بخش دوم، تهران، فردوسی، چاپ هفتم.
- ۲۲- لسترنج، گای، (۱۳۹۰)، *جغرافیای تاریخ سرزمین‌های خلافت شرقی*، ترجمه محمود عرفان، تهران، علمی و فرهنگی، چاپ هشتم.
- ۲۳- ملائی توانی، علیرضا، (۱۳۹۲)، *درآمدی بر پژوهش در تاریخ*، تهران، نی، چاپ هفتم.
- ۲۴- میرجعفری، حسین، آشوری، عباس، (۱۳۸۳)، *تاریخ‌نگاری و تحولات آن در ایران و جهان*، تهران، اساطیر، چاپ دوم.
- ۲۵- نطنزی، معین‌الدین (۱۳۸۳)، *منتخب‌التواریخ معینی*، به اهتمام پروین استخری، تهران، انتشارات اساطیر.
- ۲۶- نصیری جوزقانی، عبدالرئوف، (۱۳۸۹)، «آل‌کرت و مناسبات قدرت در شرق ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد گروه تاریخ، دانشگاه بیرجند.